

بررسی تطبیقی درهای چوبی تاریخ دار تبرستان در دوره حکومت مرعشیان (قرن نهم هجری قمری)^۱

محمد مدهوشیان نژاد^۲

حجت اله عسکری الموتی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۰۴

چکیده

از بین آثار چوبی تاریخی اسلامی برجای مانده در ایران، درهای چوبی یکی از نمونه‌های تقریباً فراوان و شاخص به‌منظور مطالعه تاریخ هنر به‌شمار می‌روند. آن‌ها اغلب علاوه بر تزیینات، دارای کتیبه‌هایی مشتمل بر متون مذهبی و ادعیه هستند که حاوی اطلاعات مهمی از دوره تاریخ ساخت‌شان هستند. از طرفی مرعشیان از جمله حکومت‌های محلی ایران هستند که کم‌تر در منابع به آن‌ها پرداخته شده است. آن‌ها در قرن نهم هجری قمری در منطقه تبرستان (مازندران کنونی) حکومت می‌کرده‌اند و آثار نسبتاً زیادی از آنان در غالب بناهای آرامگاهی برجای مانده است. عدم ثبت درهای ارزشمند این دوره تاریخی علی‌رغم کثرت آن‌ها، ضرورت اصلی مقاله حاضر به‌شمار می‌رود. هم‌چنین، هدف این مقاله شناسایی و دسته‌بندی درهای تاریخی چوبی متعلق به قرن نهم هجری قمری در مازندران و مطالعه تطبیقی و بررسی سیر تحول آن‌ها در سده مذکور است. بر این مبنا پرسش اصلی پژوهش این است: ویژگی‌های هنری درهای دوره مرعشیان با نگاه‌نگاری مشخص چیست؟ در این پژوهش، علاوه بر مطالعه تحلیلی و توصیفی از روش تاریخی و تطبیقی استفاده شده است. به نحوی که برای انجام این مطالعه بر اساس پیمایش‌های میدانی، داده‌های کتابخانه‌ای و اسنادی تعداد چهارده در تاریخی به صورت هدفمند شناسایی و به‌عنوان نمونه‌های پژوهش انتخاب شده است. انتخاب آثار بر اساس مولفه‌هایی نظیر تاریخ‌دار بودن، داشتن تزیینات و آرایه‌های جالب توجه، بوده و جامع آماری پژوهش را شکل داده است. نتایج پژوهش نشان داد که، با توجه به حمایت‌های جدی مرعشیان از ساخت بناهای آرامگاهی و متعاقباً درهای چوبی، یک سیر حرکتی مداوم و مستمر در ساخت و تزیین این درها دیده می‌شود، به‌ترتیبی که رد پای یک سبک معین در ساخت و تزیین آن‌ها عیان است.

کلیدواژه‌ها: درهای چوبی، منبت قرن نهم هجری قمری، مرعشیان، درهای تاریخی تبرستان، امامزادگان مازندران

1-DOI: 10.22051/JJH.2023.41821.1858

۲-استادیار گروه صنایع دستی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، نویسنده مسئول. mmadhoushian@alzahra.ac.ir

۳-استادیار گروه صنایع دستی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. hajjataskari@alzahra.ac.ir

اهمیت استفاده از انواع درها، در معماری و یادمان‌های تاریخی تمدن‌های مختلف برکسی پوشیده نیست؛ درها با ابعاد و اشکال و شیوه‌های ساخت و مصالح و حتی تزیینات گوناگون کاربری‌های متنوعی هم چون ایجاد و محافظت از حریم‌ها را داشته‌اند. گزارش‌های به دست آمده از بناهای چغازنبیل و تخت جمشید نیز گواهی بر کاربرد استفاده از درب‌های چوبی و سنگی با قدمت‌های چند هزار ساله است (شاهپور شهبازی، ۱۳۹۵: ۱۲). درها همواره، جزو ارکان مشترک در ابنیه و یادمان‌های تاریخی و فرهنگی هستند. به طوری که امروزه می‌توان آن‌ها را به عنوان بخشی از عناصر اصلی و هویت بخش در معماری سنتی و آرایه‌های آن محسوب نمود. یکی از دوره‌هایی تاریخی که در آن، این مصنوعات چوبی به جهت ساخت بناهای آرامگاهی رونق می‌گیرد، حکومت محلی مرعشیان (۷۶۰-۹۰۶ ه.ق.) در تبرستان (مازندران کنونی) است. مرعشیان شیعه مذهب به منظور پاسداشت درگذشتگان و امامزادگان معصوم، بناهای آرامگاهی متعددی ساخته‌اند که اغلب آن‌ها دارای درهای چوبی فاخری نیز بوده‌اند. علی‌رغم این‌که شیوه ساخت کلی آن‌ها غالباً مشابه بوده است، اما نحوه و نقوش تزیینی‌شان نیز همواره، محل تفاوت آن‌ها است. علاوه بر این، شاید نکته خاص و جالب توجه درهای این دوره، وجود کتیبه‌هایی حاوی اطلاعاتی نظیر حامی، سال ساخت، سازنده و غیره، بر روی بسیاری از آن‌ها است. اما آن چیزی که باعث شده تا مطالعه بر روی این آثار در این پژوهش دنبال شود، علاوه بر کثرت و پراکندگی‌شان در قرن نهم هجری قمری، تنوع در نقش و تزیین آن‌ها نیز است. با توجه بدین مساله، پرسش اصلی پژوهش بدین صورت قابل طرح است که، ویژگی‌های هنری درهای دوره مرعشیان با گاه‌نگاری مشخص چیست؟ بر این مبنا، هدف اصلی از انجام این پژوهش، شناسایی و دسته‌بندی درهای تاریخی چوبی متعلق به قرن نهم هجری قمری در مازندران و مطالعه تطبیقی و بررسی سیر تحول آن‌ها در سده مذکور است. در همین راستا با پیمایش‌های میدانی تعداد چهارده نمونه به صورت هدفمند انتخاب شده است که بر اساس مولفه‌های

داشتن کتیبه ساخت، دارا بودن تزیینات کنده‌کاری و هم‌چنین سهولت دسترسی، شناسایی و مورد بررسی قرار خواهد گرفت. متأسفانه در طی دوران تاریخی تا به امروز، تعداد زیادی از این آثار مورد سرقت و دستبرد سودجویان قرار گرفته‌اند که برخی از آن‌ها در موزه‌های داخلی و برخی در خارج از کشور نگهداری می‌گردد. همین امر ضرورت پژوهش پیش‌رو را بیش از پیش می‌نماید. هم‌چنین، عدم پژوهش و مطالعه بر روی این آثار نیز از دیگر ضرورت‌های پژوهش حاضر است. روند نگارش مطالب در مقاله حاضر بدین شرح است که، ابتدا، به تاریخچه‌ای کوتاه از مرعشیان و ساخت بناهای آرامگاهی پرداخته شده است و پس از معرفی اجزای و نوع تزیینات موجود بر روی درهای چوبی، نمونه‌های مورد بحث تشریح و در پایان در قالب جدول اطلاعات‌شان جمع‌بندی و ثبت گردیده است.

روش پژوهش

قلمرو زمانی مقاله بازه، قرن نهم هجری قمری و مکانی، محدوده جغرافیایی فعلی استان مازندران است. البته آثار محفوظ در موزه‌ها نیز جزو جامعه آماری پژوهش به‌شمار می‌روند^۱. پژوهش از نوع مطالعات توسعه‌ای با رویکرد توصیفی-تحلیلی و تطبیقی است. داده‌های پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی گردآوری شده است و با روش تجزیه و تحلیلی کیفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بر مبنای آثار در دسترس و موجود، چهارده نمونه به صورت هدفمند و غیراحتمالی با روش پیمایشی، شناسایی و انتخاب شده است. این چهارده در عبارتند از: درهای امامزاده ابراهیم بابلسر، امامزاده عبدالصالح مرز رود، امامزاده عبدالله ماهروز محله، امامزاده یحیی، امامزاده شاهزاده حسین و امامزاده عباس در شهر ساری، امامزاده علی اصغر، امامزاده قاسم و امامزاده سلطان محمد طاهر در شهر بابل، امامزاده یوسف شهر نور، امامزاده مفید شهر نکا، بقعه شمس‌الدین بابلکانی شهر بهشهر، در واقع شده در موزه آفاخان کانادا. در گام بعدی، به منظور اثبات تعلق آثار به قرن نهم هجری قمری، ابتدا، کتیبه‌ها قرائت شده است. در ادامه، تزیینات آن‌ها نیز معین و نظام‌مند شده‌اند. در پایان، پس از

ذکر ویژگی‌های فنی و بصری مستخرج شده، آثار از همین حیث نیز با یکدیگر تطبیق گشته است تا سیر تحول بر روی این آثار را شفاف سازد.

پیشینه پژوهش

تاکنون تحقیقات پراکنده و موردی مختلفی بر روی درهای چوبی تاریخی مازندران انجام شده است که اهم آن‌ها بدین شرح است: ساندر اوبه (۲۰۱۷)، در مقاله «مهارت‌ها و سبک‌ها در میراث: نجاری فخرالدین و پسرش علی در مازندران (ایران، حدود ۱۴۴۰-۱۵۰۰)» با بررسی چند اثر چوبی قرن نهم هجری قمری در مازندران، متمرکز بر روی امضای نجاران بوده و نتیجه می‌گیرد که نجاران به انتقال مهارت‌ها و مدل‌های سبکی به شکل حرفه‌ای و خانوادگی پرداختند. این نوع برخورد را کریمیان (۱۳۹۶)، در کتاب «منبت‌کاری در روزگار تیموریان» داشته که به بررسی چند اثر چوبی مرعشیان در قرن نهم هجری قمری می‌پردازد. شیخی (۱۳۹۵)، در پایان‌نامه دکتری «واکاوای مناسبات قدرت در عهد شاهرخ تیموری و بازتاب آن در آثار منبت خراسان» مضاف بر مطالعه بر روی آثار چوبی دوره تیموری در خراسان، به دسته‌بندی سبکی منبت‌کاری از آن دوره می‌پردازد. علی اصغر کلانتر (۱۳۹۴)، در پایان‌نامه دکتری «سبک‌شناسی معماری برج‌های آرامگاهی مازندران در دوره اسلامی» با تمرکز بر مطالعه برج‌های آرامگاهی به کتیبه‌خوانی آثار چوبی درون آن‌ها مانند درها و صندوق قبور نیز پرداخته است. هم‌چنین سبک‌بار (۱۳۹۴)، در پایان‌نامه «مطالعه نقوش و تزیینات بقاع متبرکه استان مازندران با تاکید بر شهرستان ساری» به تحلیل نقوش و تزیینات چوبی شامل درها و صندوق قبر در چهار بنای آرامگاهی مرعشی ساری می‌پردازد. این برخوردهای موردی رانیک‌شناس و همکاران (۱۳۹۳)، در مقاله «مطالعه تزیینات در چوبی بناهای مذهبی مازندران (نمونه موردی: درب شرقی امامزاده ابراهیم بابلسر)» داشته‌اند که صرفاً به بررسی یکی از درهای مرعشی در امامزاده ابراهیم بابلسر می‌پردازند. کیانمهر و کریمیان (۱۳۹۳)، در مقاله «بررسی نقش‌مایه‌ها و ویژگی‌های بصری درهای چوبی مقبره امامزاده

عباس ساری و مسجد جامع افوشته اصفهان از دوره تیموری» سعی در مقایسه سبکی‌کننده‌کاری مرعشیان با منطقه‌ای در اصفهان داشته‌اند. در ادامه، معصومه کریمیان (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه «ساخت رحل قرآن بر اساس منبت‌کاری تیموری» تلاش کرده است، تمامی آثار چوبی در دسترس دوره تیموری در ایران را دسته‌بندی و ویژگی‌های هنری هر کدام را استخراج کند. از دیگر پایان‌نامه‌ها در این حوزه، مهدوی آبندانکشی (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه «طراحی و ساخت زیورآلات چوبی بر مبنای منبت‌کاری مازندران (در و صندوق قبر)» هدف اصلی خود را شناسایی و معرفی نقش‌مایه‌های موجود در این آثار معرفی کرده است. وی با انتخاب ده مورد در امامزادگان سراسر مازندران از ادوار مختلف، ویژگی‌های بصری منبت‌کاری مازندران را به لحاظ نقش‌مایه، ترکیب‌بندی و اجرا بررسی و شناسایی کرده و شاخصه‌های اصلی در هر دوره را معرفی کرده است. کلانتر (۱۳۸۸)، کاتالوگی با عنوان «گنجینه‌های قدسی پنهان» چاپ کرده و تصاویر برخی از آثار منبت و مشبک را با توضیحات مختصر ارائه نموده است. البته، این کاتالوگ منحصر به آثار معدود از بارگاه‌های امامزادگان ساری بود. فقیه بحر العلوم (۱۳۸۵)، در کتاب «تاریخ تشیع و مزارات شهرستان ساری» به بررسی موردی و کتیبه‌خوانی برخی از آثار چوبی درون آن‌ها پرداخته است. جواد نیستانی (۱۳۸۳)، در پایان‌نامه «پژوهشی در بناهای آرامگاهی مازندران مرکزی در قرن ۹ هجری (با تاکید بر ویژگی‌های بومی)» علاوه بر گونه‌شناسی، به مسایل فنی ساخت بناهای آرامگاهی پرداخته است. علی‌ماه‌فروزی (۱۳۷۸)، در پایان‌نامه «بررسی و تحلیل آثار چوبی قرن ۹ هجری قمری در مازندران (بررسی و تحلیل آثار ساری)» به بررسی و ثبت آثار چوبی چندین امامزاده با تمرکز بر روی شهر ساری پرداخته است.^۲ ستوده (۱۳۷۴)، در کتاب «از آستارا تا استرآباد» به ذکر آثار هنری امکان‌متبرکه استان‌های شمالی کشور در بازمانی دهه چهل خورشیدی می‌پردازد، وی در این شرح حال از آثار، به برخی از درهای چوبی تاریخی از جمله مرعشیان اشاره کرده و کتیبه آن‌ها را قرائت نموده است. لیزا گلمبک و دونالد ویلبر (۱۳۷۴)، در کتاب «معماری

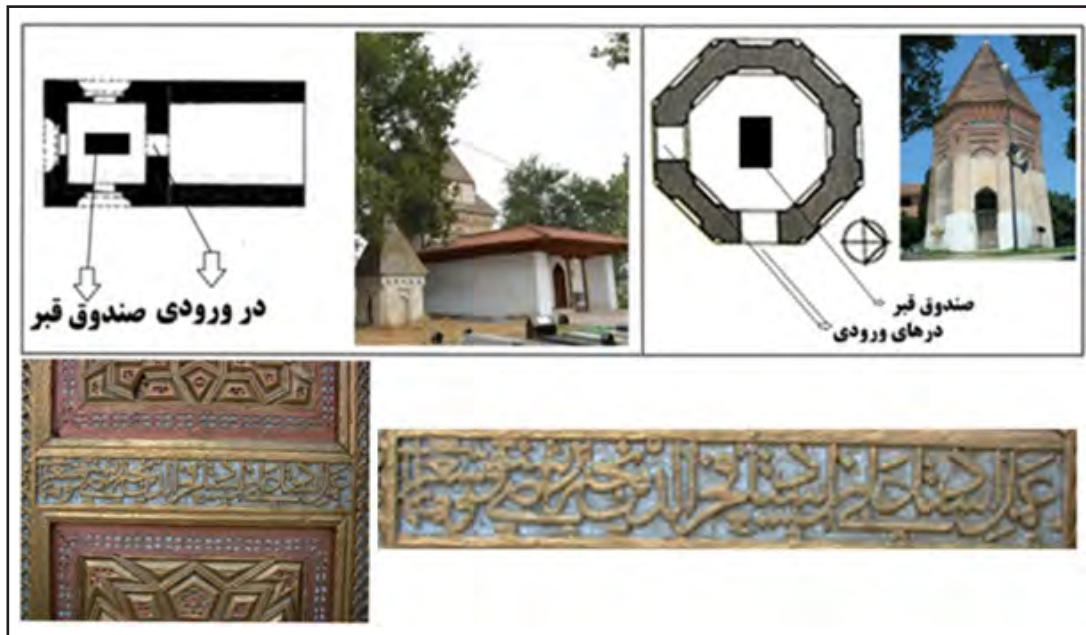
تیموری در ایران و توران» ضمن بررسی ساختاری بناها، اندک توضیح و اشاره‌ای به آثار چوبی‌شان هم داشته‌اند. البته، بایستی عنوان نمود که، در پژوهش حاضر علاوه بر معرفی چند در چوبی - که تاکنون در هیچ منبع علمی بررسی نشده‌اند - به تحلیل و بررسی تمامی درهای در دسترس قرن نهم هجری قمری از مازندران پرداخته خواهد شد که از این حیث برای نخستین بار در این پژوهش صورت می‌پذیرد. این مقاله با افزایش نمونه‌ها و جامعه آماری پژوهش، بر اثبات پژوهش‌های پیشینی اقدام نموده است و وجه تمایز این مقاله با دیگر پژوهش‌های فوق‌الذکر نیز همین جاست.

مرعشیان تبرستان و بناهای آرامگاهی

ظلم و ستم حاکمان مازندران زمینه‌ساز قیام مرعشیان^۳ به رهبری شخصی به نام قوام‌الدین در سال ۷۶۰ هجری قمری از شهر آمل گردید. قوام‌الدین تحت تاثیر عقاید سربدارن خراسان به شیعه دوازده امامی گروید. سادات مرعشی حکومت خود را بر اساس همین قوانین و قواعد شیعی پایه‌گذاری نمودند. بر این اساس آن‌ها سعی در رفع ظلم، فساد و ایجاد امنیت برای مردم برآمدند. آن‌ها شعار برابری و مساوات را سرلوحه حکومت خود قرار داده بودند. اگرچه علی‌رغم داشتن حکومت مستقل هر ساله وجوه مشخص را به عنوان خراج - که عموماً وجه نقد یا ابریشم بود - به حکومت مرکزی (شاهرخ تیموری در هرات) ارسال می‌داشتند. به‌طور کلی، اوضاع سیاسی مرعشیان در سه دوره قابل بررسی است: دوره اول، برآمدن مرعشیان و حکومت میر قوام‌الدین (۷۶۰-۷۸۱ ق.م)؛ دوره دوم، جانشینان میر قوام‌الدین تا سقوط آنان (۷۸۱-۷۹۴ ق.م) و دوره سوم، حکومت در مازندران (۸۰۷-۹۰۶ ق.م) تا پایان اقتدار ایشان با قدرت یافتن دولت صفوی (نیستانی، ۱۳۸۳: ۶۶). در این دوره، به جهت اعتقادات شیعی و پاسداشت و زیارت درگذشتگان برای آن‌ها برج‌های آرامگاهی متعددی ساخته می‌شود که غالب این بناها همراه با درهای چوبی دارای تزیینات بوده‌اند. به عقیده برخی پژوهشگران، بقاع یا آرامگاه‌های برجی تاریخی موجود در مازندران، براساس الگو

متقدم خود یعنی گنبد قابوس (قرن چهارم هجری قمری) و برج‌های لاجیم و رسکت (قرن پنجم هجری قمری) ساخته شده‌اند (پیرنیا، ۱۳۸۳: ۴۶). ساخت این نوع آرامگاه‌های برجی به صورت گسترده در دوره مرعشیان نیز رواج می‌یابد (راعی، ۱۳۹۰: ۸۳). در دوره مرعشیان رشد بی‌سابقه‌ی بناهای آرامگاهی مشاهده می‌شود. به‌طور مثال، صرفاً در دو شهر ساری و نکا، تعداد ۲۴۰ امامزاده و بقعه در حال حاضر شناسایی شده است (فقیه بحر العلوم، ۱۳۸۵: ۳۰). ویلبر معتقد است که برج‌های مازندران یک نوع آرامگاه فرعی کوچک را مجسم می‌کنند، یعنی این نوع از آرامگاه‌ها را می‌توان بازگشتی به سنت‌های قدیمی تر دانست یا بازگشتی که جنبه تکرار مکررات را داشته تا جنبه نوآوری. البته این نوع برج‌ها در مقایسه با برج‌های آرامگاهی قدیمی تر در مقیاس تقلیل یافته، تزیین آن‌ها ساده شده یا حذف گردیده است. بدون شک ساختن این نوع برج‌ها آسان و مقرون به صرفه بوده و عناصر مرکب آن به حدی ساده شده که یک بنا یا نجار عادی می‌توانست آن‌ها را بسازد (گلمبگ و ویلبر، ۱۳۷۴: ۹۹۵).

آن‌ها غالباً در اشکال هشت ضلعی، مربع و دایره ساخته شده‌اند (کیانی، ۱۳۸۳: ۷۲). شکل پلان شان دارای سازماندهی مرکزی است و اکثر دارای یک ورودی هستند که با توجه به شکل بسته خود، حالت درون‌گرا دارند. در آرامگاه‌های برجی، تفکیک فضای زنان و مردانه وجود نداشته و همگان با احترام و رعایت شئون وارد فضا می‌شدند و ساخت آن‌ها از قرون هشت و نه به شکلی فراگیر آغاز و تا دوره صفویه نیز تداوم می‌یابد که در دوره قاجار، جهت توسعه عملکرد آرامگاه‌های برجی بخشی به آن‌ها الحاق می‌شود و بقاع ایوان دار (بیش تر تک ایوانی) به دلیل رسوم مذهبی و فرهنگی شبیه به بقاع شرق گیلان در مازندران رواج می‌یابد (رحمتی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۷۱) (تصویر ۱). در این بناها تزیینات مختلفی نظیر گچ‌بری، نقاشی هم‌چنین، در و صندوق قبر چوبی وجود دارد. این صندوق‌ها کاربری ضریح‌های امروزی را داشته و مانع از تماس مستقیم شخص با قبر می‌شده است. به دلیل قداستی که در این اماکن وجود داشت، معمولاً، این عناصر همراه با تزیینات و کتیبه بوده است.



تصویر ۱- پلان هشت ضلعی و کتیبه در ورودی، امامزاده سلطان محمد طاهر بابل «عمل استاد علی بن استاد فخرالدین نجار رازی سنه ست تسمع و ثمانمائه» (راست و پایین) برج امامزاده قاسم روستای هشتل آمل (چپ) (نگارندگان).

اجزا و تزیین درهای چوبی تاریخی

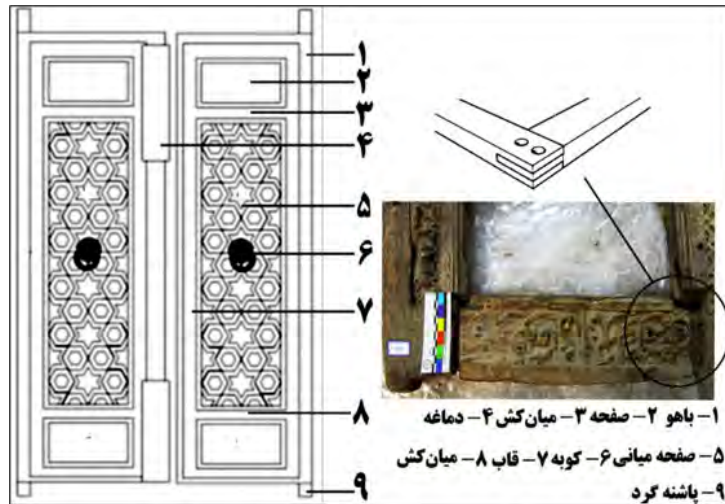
دلایل محبوب بودن این نوع درسازی به شمار آورد. بدین ترتیب اجزای اصلی درها در این شیوه ساخت، چهار چوب، پاسار، قاب، صفحه، پاشنه گرد و دماغه نیز هستند (تصویر ۲). نکته افزودنی در این مبحث، کشیدگی خارج از عرف کلی درها به جهت اضافه نمودن نورگیر در قسمت بالایی لنگه درهای مورد مطالعه است. که متناسب با ماهیت کاربری آنها، از شیوه مشبک و گره چینی تو خالی به همراه کنده کاری آذین یافته‌اند. شایان ذکر است که، شاید درهای دیگر جامعه آماری پژوهش حاضر نیز از چنین ویژگی برخوردار بوده‌اند، اما به دلیل تخریب بنا و یا انتقال به مکان دیگر، ممکن است که قسمت نورگیر آنها از بین رفته باشد.

درهای چوبی تاریخی - حداقل بر اساس نمونه‌های بر جای مانده پس از ظهور اسلام در ایران - معمولاً، به دوروش ساخته می‌شدند، یک تکه و هم‌چنین، قاب و صفحه. در شیوه یک تکه، یک تخته چوب را به ابعاد مورد نظر برش می‌دادند و ضمن نگه داشتن دو زائده در بالا و پایین به عنوان پاشنه گرد (تنها نکته مشترک با تکنیک قاب و صفحه)، سایر تزیینات مانند کنده‌کاری و حکاکی را بر روی آن حفر می‌نمودند. اما در تکنیک قاب و صفحه - دست‌کم قدیمی‌ترین نمونه آن از دوره عباسیان بر جای مانده است - لنگه‌ها بر خلاف تکنیک یک تکه، از اجزای کوچک‌تری به نام قاب و صفحه تشکیل می‌شوند. این امر به سازنده امکان می‌دهد تا درون صفحه‌ها را مجزا تزیین نموده و در انتها درون قاب‌های در، نصب نماید. از دیگر مزیت‌های این نوع از فن درسازی - که تا به امروز نیز ادامه پیدا نموده است - استحکام بسیار بالا در مقابل عوامل تخریب مکانیکی چوب‌ها نظیر کشش، تاب ضربه‌ای، هم‌کشیدگی و واکشیدگی (خاصیت جذب و دفع رطوبت) و غیره است. استفاده از اتصال مطمئن فاق و زبانه به همراه میخ چوبی را می‌توان از دیگر

جدیدی در روسازی نقوش گیاهی در پیش گرفته‌اند، به نحوی که پس از مطالعات میدانی و علمی دقیق در منطقه خراسان، یک دسته‌بندی از شیوه روسازی مقعر در دوره تیموری ارایه داده است و آن شامل برجستگی خفیف، کم برجسته و نیم برجسته می‌گردد. به دیگر معنا، از آن جا که ریشه کلمه نسبت از رویاندن و رویانیده شدن است و عناصر گیاهی به صورت طبیعی و ساده شده بیشترین کاربرد را در هنر نسبت

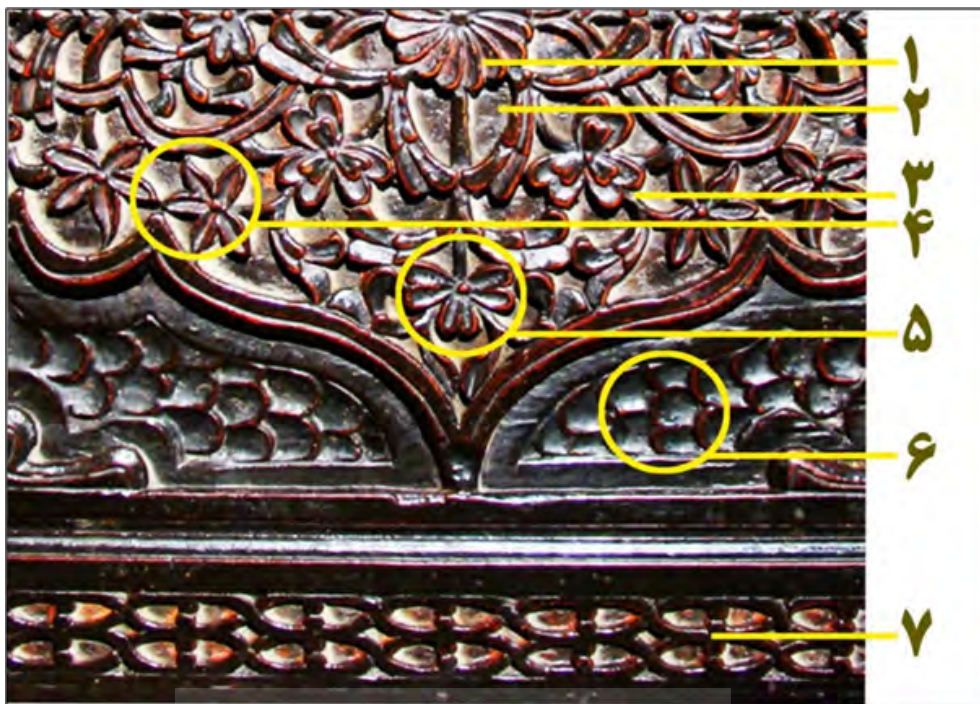
آن روزگار داشته‌اند، در گویش مناطق محلی خراسان و نواحی مرکزی ایران، به سرزدن یا نمودار شدن جوانه گیاه از خاک، نیش زدن؛ به بر آمدن گیاه، تیج کشیدن؛ و به رشد نسبی جوانه گیاه، جَست گفته می‌شود. این دسته‌بندی بر مبنای میزان عمق نقش صورت گرفته است، به نحوی که تا ۱/۵ میلی‌متر (نیش)، ۲-۷ میلی‌متر (تیج) و ۸-۲۰ میلی‌متر (جَست) نامیده می‌شود (شیخی و سامانیان، ۱۳۹۹: ۶۴)؛ مشابه این دسته‌بندی در متن مقاله با عناوین (کم، متوسط و زیاد) قید شده است.

در همین راستا روسازی‌ها آثار مورد بررسی در زیر گروه جَست قرار می‌گیرند. از طرفی، فاکتور عمق زمینه نیز همواره، به صورت میلی‌متر اندازه‌گیری می‌گردد که در این جا به دلیل عدم دسترسی فیزیکی به تمامی نمونه‌ها، در سه گروه، کم (تا ۵ میلی‌متر)، متوسط (تا ۸ میلی‌متر) و زیاد (بالای ۹ میلی‌متر) بررسی خواهد شد (تصویر ۳).



تصویر ۲- اتصال فاق وزبانه هم‌چنین، اجزای تشکیل دهنده درهای چوبی تاریخی (در امامزاده مفیدنکا) (نگارندگان).

اساساً، آن چیزی که باعث می‌گردد که این درهای ارزشمند با اصالت جلوه نمایند، تزیینات بر روی آن‌ها است. به صورتی که نجار (سازنده) می‌بایست در کنار مسایل فنی مربوط به ساخت، نوع نقوش و تزیینات آن را نیز مدنظر قرار می‌داد. از جمله دلایل آن می‌توان به ایجاد نقوش به صورت متقارن و با الگوهای معین اشاره نمود. در مورد شیوه ساخت این تزیینات بایستی گفت که، یکی از محبوب‌ترین تکنیک‌های پر کاربرد تزیین بر روی کلیه آثار چوبی تاریخی، گره‌سازی نقوش هندسی با روش آلت و لقط بوده است. البته، غالباً درون لقط‌ها با نقوش گیاهی (اسلیمی و ختایی) نیز کنده‌کاری می‌شدند. از دیگر مشخصه‌های شناسایی و طبقه‌بندی آثار چوبی، روسازی (نحوه شکل دهی بر روی قسمت‌های کنده‌کاری شده) و عمق زمینه در کنده‌کاری است. در سال‌های اخیر، پژوهشگران اغلب نام‌گذاری و بررسی شیوه‌های مثبت‌کاری در ایران را بر اساس واژه‌ها و اسامی فرنگی (رولیف، بارولیف و ارولیف) اهتمام نموده‌اند که خوشبختانه معادل فارسی آن در مجامع علمی نیز تدوین و گسترش یافته است، بر همین مبنا مجموع تکنیک‌های مثبت‌کاری را می‌توان به پنج گروه تخت، محدب، مقعر، شبکه و حجم دسته‌بندی کرد (شیخی، ۱۳۹۵: ۵۹). شیخی معتقد است که، هنرمندان دوره تیموری روش‌های



تصویر ۳- ۱) روسازی جست‌گونه مقعر (۲، عمق زمینه متوسط، ۳) گل سه‌پری، ۴) گل ختایی (اختر)، ۵) گل ختایی (سه‌پرشداری)، ۶) زمینه فلس ماهی شکل، ۷) روسازی تخت، بر روی قسمتی از در ورودی امامزاده یحیی ساری (نگارندگان).

معرفی آثار

امامزاده ابراهیم بابلسر

سنه ثمان خمسين و ثمانمائه (۸۵۸)، عمل استاد محمد بن علی نجار رازی. فارغ از شیوه ساخت کلی در به صورت فاق و زبانه، استفاده از نقوش ختایی و اسلیمی با روسازی‌های سه‌گانه (تخت، محدب، مقعر) و گره‌های هندسی با شیوه آلت و لقط، بر روی تمامی اجزای آن مشاهده می‌شود (ردیف ۱ جدول ۱). روی دماغه نسبتاً ضخیم هر دو اثر، گره شمشه شش و شش ضلعی نیز حفر شده است. شایان ذکر است به دلیل این‌که تمامی نمونه‌ها با تکنیک قاب و صفحه ساخته شده‌اند، از تکرار آن در ادامه تحلیل‌ها خودداری گردیده است.

امامزاده عبدالصالح روستای مرز رود ساری

بقعه امامزاده صالح در روستای مرز رود واقع شده است. بر طبق روایات این امامزاده از نوادگان امام موسی کاظم (ع) است. بنای امامزاده برجی با گنبد رگ هشت ضلعی است. این بنا ظاهراً در ابتدا، به صورت

این آرامگاه در جنوب شرقی بابلسر میان گورستانی واقع شده است. بعضی از کتاب‌ها، امامزاده ابراهیم را برادر امام رضا (ع) یاد کرده‌اند. به علت وجود همین آرامگاه در گذشته بابلسر به نام مشهدسر شهرت یافته بود (ستوده، ۱۳۷۴: ۲۶۱). بنای امامزاده به صورت هشت ضلعی با گنبد رگ هشت وجهی ساخته شده است. دو عدد در مربوط به قرن نهم هجری قمری درون بقعه وجود دارد. یکی، در ورودی شرقی که طبق کتیبه موجود بر روی آن، بانی «عزیز الدین شمس الدین المعروف بابلکانی» و عمل محمد بن استاد علی النجار رازی، فی التاریخ سنه شهر محرم احدی اربعین و ثمانمائه (۸۴۱) ه. ق. بوده است. دیگری، که ظاهراً متعلق به ورودی شمالی بقعه بوده - هم‌اکنون در قسمتی از انبار آرامگاه نگهداری می‌شود - دارای کتیبه‌ای بدین شرح است: امر هذه العماره الشريفه سيد سادات سيد شمس الدين بن سيد عبدالعزيز بابلکان، فی تاریخ جمادی الاول

امامزاده عباس ساری

بنای امامزاده عباس، در جاده ساری به نکا (بلوار امام رضا)، محله آزادگله شهر ساری واقع شده است. ساختمان اصلی مانند اغلب برج مقبره‌ها به صورت منفرد بوده که در حال حاضر دستخوش تغییراتی شده است. این امامزاده از مکان‌های زیارتی و بسیار مورد احترام اهالی است (کلانتر و آیت‌اللهی، ۱۳۸۸: ۱۷). در فعلی امامزاده دارای نورگیر مربع شکل در بالای خودش می‌باشد که در فوقانی‌ترین قسمت آن کتیبه‌ای بدین شرح است: عباس ابن عبدالله ابن موسی کاظم، پنجشنبه یکم ماه مبارک رمضان سنه تسع و اربعین و ثمانمائه (۸۴۹)، سید امیر بن شرف‌الدین حسین. انتخاب گره هندسی ساده چهار بر روی در اجازه حفر نقوش گسترده هندسی را نداده است؛ ولی در عوض در قسمت نورگیر نیز نقوش غالباً هندسی مشبک گردیده‌اند. روسازی آن‌ها به صورت تخت و مقعر با عمق زمینه متوسط است. این ویژگی بر روی دماغه در نیز رویت گردیده است.



تصویر ۴-کنده‌کاری نقوش هندسی و اسلیمی بر روی پشت در ورودی امامزاده عبدالصالح مرزوردساری (نگارندگان).

یک آرامگاه تک برجی با چهار در ورودی بوده که بعدها اتاق مسجد را به آن افزودند و نهایتاً سه در مسدود و تبدیل به نورگیر شده است (کیانی، ۱۳۶۲: ۳۵). در ورودی مسجد دارای دو کتیبه بدین شرح است: بر بالای لنگه راست عبارت «عمل استاد نجم‌الدین، استاد شهاب‌الدین دروگر» و بر لنگه چپ عبارت «فی شهر ربیع الاول سنه ست و اربعین و ثمانمائه» (۸۴۶). گره شمسه ده تند در صفحه میانی - که درون لقطه‌های آن غالباً با نقوش ختایی و روسازی مقعرکننده کاری شده - به کار گرفته شده است. عمق این کنده‌کاری‌ها متوسط ارزیابی شده است. البته، برای نخستین بار قسمتی از پشت در نیز با گره شمسه شش و شش ضلعی کنده‌کاری شده است (تصویر ۴).

امامزاده یحیی ساری

آرامگاه امامزاده یحیی تقریباً در مرکز شهر ساری واقع شده است. بنای برج آجری، با پلان مدور و به شکل استوانه‌ای با گنبد مخروطی ساخته شده که در حال حاضر یک مسجد نوساز به آن الحاق شده است. سید

ظهیرالدین معتقد است سید یحیی که پسر نهم میرقوام بوده و در ساری مدفون است. (ستوده، ۱۳۷۴: ۵۳۱) در چوبی ورودی امامزاده دارای نورگیر مربع شکلی در قسمت بالای خود است که پوشیده از نقوش هندسی و گیاهی است. کتیبه‌ای به خط ثلث بر روی همین نورگیر اشاره به سال ساخت اثر دارد، سنه تسع و اربعین و ثمانمائه (۸۴۹). البته نام نجار و حامی درون صفحه‌های پایینی در بدین شرح آمده است: فخرالدین بن استاد علی النجار و بانی آن صاحبه رستم بن نظام. عدم استفاده از نقوش هندسی درون

صفحه‌های این در و کنده‌کاری زمینه‌ی فلس ماهی شکل با روسازی‌های سه‌گانه و عمق متوسط، از مشخصات تکنیکی اثر به‌شمار می‌رود. هم‌چنین حفر نقوش هندسی و گیاهی بر روی دماغه آن نیز دیده می‌شود.

امامزاده مفید نکا

این لنگه در، هم‌اکنون، در موزه بنیاد مستضعفان تهران نگهداری می‌شود. با توجه به باز دیدهای میدانی و طبق روایت مرحوم ستوده، کتیبه‌های این در قبلاً، توسط رایینو به صورت ناقص خوانده و ثبت شد که بقعه میر عبدال مفید در شهرستان نکا می‌داند^۴ (ستوده، ۱۳۷۴: ۶۷۷). با این‌که آسیب‌هایی به این در دو لنگه وارد شده است، اما کتیبه آن با خط نزدیک به ثلث^۵ بدین شرح است: بر روی پاسار و قیدهای این در، ضمن اشاره به حامی و تاریخ ساخت، سوره آیت الکرسی نیز کنده‌کاری شده است. هذا الموضع من القرية المباركة موسوماً للنكا لصاحب، المالك هذه القرية المذكورة المرتضى المعظم و المكرم امير سيد عبدال مفيد بن امير المويد. نماینده این کار مفتخر الفقرا و الصلحا زين - المتورعين درویش اسکندر ابن عزالدین المعروف ابن الهدی؟ «عمل استاد حسین بن احمد الازازي - تحریراً فی غره محرم الحرام سنه ستین ثمانمائه» (۸۶۰) (رازانی، ۱۳۹۸: ذیل شناسنامه شی). توجه به گره هندسی شمسه شش و شش ضلعی با تکنیک، آلت و لقط در صفحه میانی و کنده‌کاری بر روی دماغه، جای تامل دارد. همین الگو بر روی در شماره دو این موزه نیز به کار رفته است. روسازی‌های نقوش گیاهی محدب و مقعر با عمق متوسط و در قسمت کتیبه، با عمق زیاد، شکل گرفته‌اند.

بقعه سید شمس‌الدین بابلکان بهشهر

از جمله آثار دیگری که با توجه به ثبت‌های ارزشمند مرحوم ستوده، باعث شناسایی آن شده، در عمارت امیر سید نظام‌الدین هیبت‌الله بن یدالله بن سید شمس‌الدین بابلکان در روستای آسیاب‌سر شهرستان بهشهر است که در حال حاضر در موزه بنیاد مستضعفان تهران محفوظ است. پاسار پایین لنگه راست این در، آسیب دیده است و بخشی از نیمه پایین لنگه چپ - که حاوی کتیبه احتمالاً شامل نام نجار و یا کاتب کتیبه و آیات ۱-۵ سوره یس بود - سرقت شده یا از بین رفته باشد. ضمناً برخی از قطعات نیمه پایین در، بعد از تخریب، بدون دقت و به صورت سر و ته و جابه‌جا نصب شده است. با این حال آیه‌های ۱-۶

سوره یس، بر روی لنگه و چهارچوب این در کنده‌کاری شده است. مابقی کتیبه‌ها بدین شرح است: قال النبي عليه السلام - الدنيا ساعه و جعلها طاعه، صاحب عمارت جناب سیادت مآب شجاعت مناب - افتخار السادات و الاشراف، امیر سید نظام‌الدین هیبت‌الله - بن یدالله بن سید شمس‌الدین بابلکان، «بتاریخ [شهر] رجب سنه ثلث و سبعین [و] ثمانمائه (۸۷۳)، «لتندر قوماً ما انذر آیاتهم فهم غافلون» تخته پایین لنگه راست: این قطعه افتاده است که کتیبه‌های آن احتمالاً بدین شرح بود: [عمل استاد... بن استاد... نجار... تحریراً] (رازانی، ۱۳۹۸: ذیل شناسنامه شی). علی رغم استفاده از شیوه ساخت آلت و لقط درون صفحه میانی در، به کارگیری نقوش گیاهی درون آن‌ها تماماً با روسازی تخت و عمق متوسط بوده است.

امامزاده علی اصغر بابل (محل نگهداری موزه مردم‌شناسی بابل)

یک عدد در تاریخی متعلق به قرن نهم هجری قمری در موزه مردم‌شناسی بابل نگهداری می‌شود. کتیبه حک شده بر روی آن، حاوی نام سازنده و تاریخ ساختش بدین شرح است: عمل قوام‌الدین ابن فخرالدین الحسینی، سنه: احدی و ستین و ثمانمائه (۸۶۱). با توجه به کتیبه دیگری که بر روی در حک شده است، ظاهراً در متعلق به امامزاده‌ای به نام علی اصغر از روستاهای توابع بابل بوده که اطلاعاتی از محل دقیق و بنای امامزاده به دست نیامده است. استفاده از نقوش ساده هندسی و گیاهی (صرفاً اسلیمی) با روسازی تخت و عمق زمینه کم، همگی حاکی از ساده بودن تزیینات بر روی این در می‌باشد.

امامزاده عبدالله روستای ماهروز محله

امامزاده عبدالله در ۱۰ کیلومتری شمال شرقی شهرستان ساری و در دهستان رودپی، روستای ماهروز محله واقع شده است که در میان گورستان آن امامزاده عبدالله قرار دارد. بازسازی بنا در دهه هفتاد شمسی انجام شده است (کریمیان، ۱۳۹۱: ۱۴۴). در تاریخی امامزاده هم‌اکنون، در موزه تکیه پهنه کلا ساری نگهداری می‌شود. کتیبه کنده‌کاری شده بر روی آن بدین شرح است: هذه الروضة المباركة الشريفة الام عبدالله بن القاسم نور اله مرقدهما

باهتمام سید نظام‌الدین محمد کاردگر فی تاریخ سنه تسع و ستین و ثمانمائه (۸۶۹). اندک نقوش اسلیمی در، بر روی دماغه آن با روسازی مقعر و عمق زمینه متوسط، کنده‌کاری شده است. استفاده از گره نسبتاً ساده هندسی در صفحه میانی بدون نقوش گیاهی در بین لقط‌های آن، باعث شده تا در، اندازه‌ای کم پیرایه و ساده به نظر برسد.

امامزاده شاهزاده حسین ساری

مرقد امامزادگان سلطان حسین و سلطان محمد بن موسی کاظم (ع) که به مزار شاهزاده حسین معروف است، در محله ام‌ساری واقع شده است. برخی معتقدند، بنای امامزاده در دوره قاجار بازسازی و تغییر یافته، اما آن چه حداقل منطقی به نظر می‌رسد این است که، بنا با سقف ایرانی شیب‌دار متعلق به ده‌های اخیر است (کلانتر و آیت‌اللهی، ۱۳۸۸: ۱۲). بقعه دارای یک در چوبی تاریخی است. کتیبه‌های خط ثلث بر روی این در، بدین شرح است: صاحب الخیرات جناب سیادت مآب، اسمعیل ابن المرحوم سید فتح‌اله نجفی، عمل حسین بن استاد احمد ساری، فی تاریخ رجب المرجب سنه تسعین و ثمانمائه (۸۹۰). تنها نقش هندسی-گره شمسه شش و شش ضلعی-استفاده شده این اثر، به صورت کنده‌کاری بر روی دماغه است و در مابقی اجزای در، نقوش گیاهی (عمدتاً اسلیمی) با روسازی‌های سه‌گانه و عمق زمینه زیاد نیز دیده می‌شود. زمینه فلس ماهی شکل از دیگر نقوشی است که فضای قابل توجهی از تزیینات صفحه میانی را به خود اختصاص داده است.

امامزاده قاسم بابل

در برخی از کتاب‌ها، از بقعه امامزاده قاسم به عنوان محل دفن فرزند امام هفتم یعنی قاسم و برادرش حمزه نام برده‌اند. آستانه امامزاده قاسم از سال‌های دور تاکنون از اماکن مقدس و مورد احترام شهر بابل به‌شمار می‌رود. بقعه دارای گنبد مخروطی شکل است که مسجد کوچکی برای ورود به بقعه ساخته شده است (نیستانی، ۱۳۸۳: ۲۰۰). در ورودی بقعه تاریخی است که در قسمت بالای آن، پنجره مشبک‌کاری شده با نقوش گیاهی و هندسی وجود دارد. کتیبه‌ای به دور آن و چارچوب اصلی در، با مضمون صلوات کبیر نقش

بسته شده است. البته، مابقی کتیبه‌ها در قسمت بالا و پایین در بدین شرح آمده است: الله ولی التوفیق، فی التاريخ سنه محرم تسعین و ثمانمائه (۸۹۰) الله مفتح الاباب، عمل حسین بن استاد احمد نجار. مجدد شاهد استفاده از گره شمسه شش و شش ضلعی بر روی دماغه (کنده‌کاری) و صفحه میانی (آلت و لقط) در هستیم. نقوش گیاهی تقریباً مترکم، با روسازی‌های سه‌گانه و عمق زمینه زیاد، آذین یافته‌اند.

در متعلق به موزه آقاخان

در چوبی مورد نظر به شماره ثبت AKM00707 نگهداری می‌شود که متعلق به شمال ایران (مازندران) دانسته شده؛ اما محل اصلی آن مشخص نشده است. عرض و ارتفاع این در ۱۰۶×۱۸۹ سانتی‌متر است و سراسر با نقوش هندسی و اسلیمی تزیین یافته است. دو کتیبه به خط ثلث در هر دو لنگه در بدین شرح وجود دارد: قال النبی الامی العربی علیه السلام، ترک الدنيا رأس کل عبادة صدق. عمل استاد رستم بن استاد حاجی نجار، باهتمام درویش علاء‌الدین کاردگر سنه ۸۹۲. با این‌که گره چهار در صفحه میانی آلت و لقط شده، اما نقوش گیاهی درون لقط‌ها نیز با هر سه نوع روسازی و عمق زمینه زیاد، کنده‌کاری شده‌اند. در مابقی اجزای در نیز نقوش گیاهی با همین الگو مورد استفاده قرار گرفته است. البته، در قسمت میانی دماغه نیز نقش هندسی شمسه شش و شش ضلعی نیز کنده‌کاری شده است.

امامزاده سلطان محمد طاهر بابل

بنای بقعه امامزاده سلطان محمد طاهر در سه کیلومتری شمال شرقی شهر بابل قرار دارد و مرقد یکی از نوادگان امام موسی کاظم (ع) است. برج بقعه با طرح هشت ضلعی در نمای خارجی و بر روی هر ضلع طاق نمایی در پایین و قاب مستطیل شکلی در بالا دیده می‌شود. بر اساس کتیبه موجود، بانی ساختمان امیر مرتضی‌الحسینی فرزند سید «علی»، از نوادگان میر بزرگ مرعشی است (کلانتر، ۱۳۹۴: ۱۷۹). در حال حاضر، دو در تاریخی متعلق به قرن نهم هجری قمری در ورودی بقعه نصب گردیده است. یکی از آن‌ها، فاقد کتیبه سازنده و تاریخ ساخت می‌باشد؛ ولی دیگری، کتیبه‌های بدین مضمون دارد: عمل استاد علی بن

استاد فخرالدین نجار رازی سنه ست تسمع و ثمانمائِه (۸۹۶). در، فاقد دماغه است؛ اما با توجه به شواهد موجود، ظاهراً دماغه آن از بین رفته و یا سرقت شده است. آلت و لقط‌گره هندسی شمسه ده تند در صفحه میانی و شمسه شش و گیوه در صفحه‌های بالایی در، به همراه نقوش گیاهی درون آن‌ها است. این نقوش با روسازی‌های سه‌گانه و عمق زمینه متوسط ارزیابی شده‌اند.

امامزاده یوسف روستای کلیک نور

بنای امامزاده یوسف، در روستای کلیک، واقع در دهستان شیخ فضل الله نوری، از توابع بخش بلده شهرستان نور است. امروزه بنای امامزاده دستخوش تغییراتی شده است. طی روایت شفاهی متولی امامزاده عباس ساری، این در، از سارقان میراث فرهنگی کشف شده و هم‌اکنون، در انبار امامزاده عباس ساری نگهداری می‌گردد. با توجه تصویر ارایه

شده و قرائت مرحوم ستوده (ستوده، ۱۳۷۴: ۲۷۵)، در مذکور قطعاً متعلق به بقعه امامزاده یوسف است. کتیبه آن اشعاری از ابن یمن فریومدی^۶ بدین شرح است:

«بیا ز ابن یمن ای دوست بشنو/ مرین شایسته پند رایگان را-یکی و سی پنج است آن کز آن‌ها/ نباید بود غافل مومنان را زده عشری وزان پس منزلی چند/ اگر ممکن بود بریدن آنرا بدین مفزای چیزی هم مکن کم/ منت ضامن بهشت جاودان را» (URL1).

عمل حبیب ابن المرحوم حسن کمری، فی سلخ الرضوان المبارک سنه تسعمایه (۹۰۰). گره شش و گیوه تنها نقش هندسی استفاده شده بر روی دماغه در است. هم‌چنین، نقوش اسلیمی با روسازی صرفاً تخت و عمق زمینه زیاد، کنده‌کاری گشته‌اند. همین‌طور نقش فلس ماهی شکل نیز بر روی زمینه صفحه‌های میانی در نقش بسته است. در ادامه پراکندگی جغرافیایی آثار چوبی مورد بررسی اشاره شده است. (تصویر ۵).



تصویر ۵- امامزاده ابراهیم یابلسر (۲)، امامزاده عبدالصالح مرز رود (۳)، امامزاده یحیی ساری (۴)، امامزاده مفید نکا (۵)، بقعه شمس الدین بابلکانی بهشهر، (۶) امامزاده علی اصغر بابل (۷)، امامزاده عبدالله ماهروز محله (۸)، امامزاده شاهزاده حسین ساری (۹)، امامزاده قاسم بابل (۱۰)، امامزاده سلطان محمد طاهر بابل (۱۱)، امامزاده عباس ساری (۱۲)، امامزاده یوسف نور (URL2 با اضافاتی از نگارندگان).

جدول ۱. توالی تاریخی درهای چوبی قرن نهم هجری قمری در مازندران از منظر نقوش و تکنیک‌های اجرایی (نگارندگان).

ردیف	۱	۲	۳	۴	تکنیک اجرا	
					بافت	زمینه
مشبک	*	-	*	*		
نورگیر	*	-	*	*		
خط	اسلیمی	ساده	ساده	ساده		
نقش	ساده	ساده	فلس ماهی	فلس ماهی		
خط	متوسط	متوسط	متوسط	کم		
نقش	متوسط	متوسط	متوسط	متوسط		
مقعر	*	*	*	*		
محدب	*	*	-	*		
تخت ساده	*	*	*	*		
آلت و لقط	*	*	*	-		
قاب و صفحه	*	*	*	*		
بدنه در	ختایی اسلیمی	۵۰%	۸۰%	۳۰%		
		۵۰%	۲۰%	۷۰%		
		شمسه ده و عروسک	شمسه هشت و ستاره	شمسه هشت و ستاره		
هندسی	شمسه ۶ و ۶ ضلعی	-	شمسه ۶ و ۶ ضلعی	چهارلنگه		
گیاهی	اسلیمی - ختایی	-	اسلیمی	اسلیمی		
تصویر در					تصویر در	
تاریخ ساخت	۸۴۱	۸۴۶	۸۴۹	۸۴۹	۸۴۹	
مکان	بابلسر	مرز رود ساری	ساری	ساری	ساری	
بقعه / امامزاده	امامزاده ابراهیم	عبدالصالح	عباس	یحیی	یحیی	

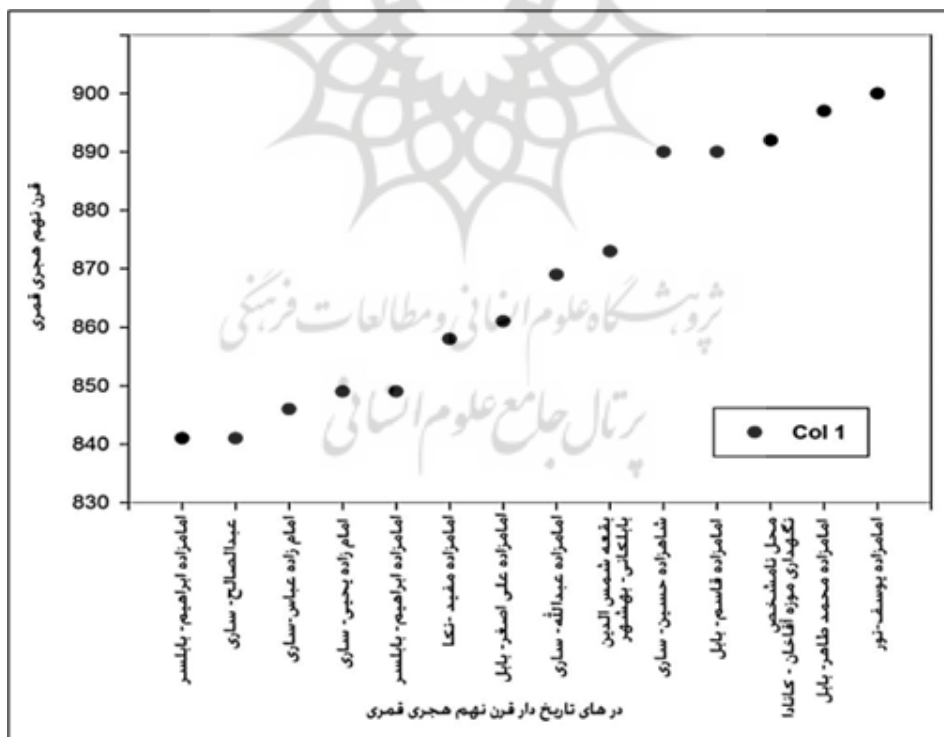
۹	۸	۷	۶	۵
-	-	-	-	-
-	-	-	-	-
ناخنی	ساده	ساده	اسلیمی	اسلیمی
ساده	ساده	ساده	ساده	ساده
متوسط	متوسط	-	زیاد	متوسط
متوسط	متوسط	کم	متوسط	کم
-	*	-	*	*
-	-	-	*	*
*	*	*	*	*
*	*	*	*	*
*	*	*	*	*
%۵۰	-	-	%۴۰	%۵۰
%۵۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۶۰	%۵۰
شمسه شش و شش ضلعی	چهار لنگه	چهار	شمسه شش و شش ضلعی	شمسه ده تند شمسه شش و لوز
شمسه ۶ و ۶ ضلعی	-	چهار	شمسه ۶ و ۶ ضلعی	شمسه ۶ و ۶ ضلعی
اسلیمی	اسلیمی	-	اسلیمی	اسلیمی - ختایی
				
۸۷۳	۸۶۹	۸۶۱	۸۴۱	۸۵۸
بهشهر	ماهفروز محله ساری	بابل	نکا	بابلسر
بقعه شمس الدین بابلكانی	امامزاده عبدالله	امامزاده علی اصغر	امامزاده مفید	امامزاده ابراهیم

۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰
-	-	-	-	-
-	-	-	-	-
ساده	ساده	ساده	اسلیمی	ساده
فلس ماهی	ساده	ساده	ساده	فلس ماهی
متوسط	متوسط	زیاد	زیاد	متوسط
زیاد	متوسط	زیاد	زیاد	زیاد
-	*	*	*	*
-	*	*	*	*
*	*	*	*	*
-	*	*	*	*
*	*	*	*	*
-	%۵۰	%۵۰	%۴۰	%۳۰
%۱۰۰	%۵۰	%۵۰	%۶۰	%۷۰
-	شمسه ده و سرمه دان شمسه شش و گیوه	چهار	شمسه شش و شش ضلعی	-
شمسه و گیوه	-	شمسه ۶ و ۶ ضلعی	شمسه ۶ و ۶ ضلعی	شمسه ۶ و ۶ ضلعی
-	-	ختایی	اسلیمی - ختایی	اسلیمی
				
۹۰۰	۸۹۷	۸۹۲	۸۹۰	۸۹۰
نور	بابل	نامشخص	بابل	ساری
امامزاده یوسف	امامزاده محمد طاهر	موزه آقا خان	امامزاده قاسم	شاهزاده حسین

بحث در یافته‌ها

از دیگر عوامل در توسعه این هنرها، می‌توان به عنصر وقف اشاره نمود. به نحوی که حامیان مذهبی با تامین مالی اجزای مختلف این آرامگاه‌ها نظیر درها، علاوه بر دنبال نمودن مقاصد سیاسی به آداب مذهبی آن‌ها نیز توجه داشته‌اند. این عمل خود باعث می‌شد خانواده‌هایی که در طی چند قرن باعث تداوم سنت‌هایی در هنر دروگری و نجاری شمال کشور شده‌اند نیز به حیات هنری و اجتماعی خود ادامه دهند؛ و هم‌چنین به تبع آن، سنت کارگروهی در بین هنرمندان نیز ظاهراً ادامه داشته است. نکته قابل توجه آن است که، این اتفاقات هنری و حمایت‌ها منحصر به شخص با حاکم مشخصی نبوده و علی‌رغم وجود جنگ‌های داخلی در بخش‌های عظیمی از سده نهم هجری قمری در مازندران، این فعالیت‌ها و سفارشات ساخت درهای ورودی بناهای آرامگاهی نیز متوقف نشده است (نمودار ۱). امکان این که در آینده درهای دیگری به دست آید و این تنوع تاریخی را به صورت دقیق‌تر کامل گرداند، وجود دارد.

آن چنان که از محتوای مقاله برمی‌آید، حکومت شیعی مرعشیان از حامیان هنرهای مرتبط با اعتقادات شیعی بوده است؛ و این امر باعث می‌گردد در قرن‌های نهم و دهم هجری قمری ساخت بناهای آرامگاهی، در مقایسه با ادوار قبل به یک‌باره رونق شایانی یابد. به موازات آن، برخی هنرهای بوم‌آورد مناطق شمالی ایران از جمله هنرهای مرتبط با چوب توسعه شایانی یافته و در ابنیه به‌عنوان آرایه‌های معماری کاربرد یافتند. از جمله این آرایه‌ها و تزیینات می‌توان به صندوق قبرها، در، پنجره و نورگیرهای ساخته شده از چوب‌های عمدتاً محلی (آزاد-سرخ‌دار) اشاره نمود. به دلیل تنوع شکل و فرم بقعه‌ها، در برخی از آن‌ها، بیش از یک در ورودی و یا پنجره کار گذاشته شده است که این خود از دیگر دلایل گستردگی کمی درهای تاریخی محسوب می‌گردد.



نمودار ۱. پراکندگی و تناوب ساخت درهای چوبی در طی سده نهم هجری قمری در مازندران (نگارندگان).

با توجه به باز دیدهای ثبت شده مورخین در غالب سفرنامه‌ها، از این نوع ابنیه‌ها در سده‌های اخیر، می‌توان به اسامی دو تاسه برابر درهای تاریخی، جامعه آماری پژوهش حاضر، اشاره نمود؛ اما شوربختانه به دلایل سودجویی برخی از اشخاص و عدم توجه و نگهداری از این آثار، قسمت اعظم آن‌ها یا به سرقت رفته و یا در روند

تعمیر و نوسازی بنا تخریب شده است. یا حتی برخی از آن‌ها در انبار موزه‌های داخلی و خود امانزاده‌ها، بدون شناسنامه نگهداری می‌گردد. دو نمونه از آن‌ها امامزاده ابراهیم بابلسر و امامزاده یوسف نور-در مقاله حاضر ذکر و بررسی شده است. حل این مساله، عزم جدی پژوهشگران و همکاری مسئولین ذیربط را می‌طلبد. با توجه به مباحث صورت پذیرفته، یافته‌ها را می‌توان در قالب دو موضوع نقوش و تکنیک اجرایی طبقه‌بندی کرد. نقش‌مایه‌ها بر اساس محل استفاده دماغه و بدنه-مورد بررسی قرار گرفته است، که نقوش اسلیمی و گره هندسی شمشه شش و شش ضلعی، دارای بیش‌ترین تکرار بوده‌اند. البته، این گستردگی و غالب بودن نقوش اسلیمی بر روی بدنه نیز دیده شده است. اما در زمینه نقوش هندسی، این بار نقش شمشه‌ده نیز بر روی بدنه دارای بیش‌ترین کمیت است (جدول ۲).

در زمینه ساخت، تمامی آثار با تکنیک قاب و صفحه ساخته شده و بر روی قاب صفحه‌های میانی آن‌ها غالباً نقوش هندسی، با شیوه آلت و لقط تزئین یافته‌اند. نوع روسازی‌ها در کنده‌کاری نقوش به سه شیوه عمده تخت، مقعر و محدب بوده است که به ترتیب دارای بیش‌ترین فراوانی هستند که، بنا بر نظر شیخی در دسته‌روسی شیوه مقعر در گونه جست محسوب می‌شوند. سهم کتیبه‌ها به صورت ۱۰۰ درصدی روسازی ساده بوده و سایر نقوش گیاهی نیز عمدتاً به شکل محدب یا مقعرند. هم‌چنین، بافت زمینه در غالب موارد نیز ساده و بدون آرایه بوده است. به دلیل فضای محدود بر روی درها، اولویت کتیبه‌ها سعی در معرفی نام سازنده، حامی و تاریخ ساخت داشته‌اند و در صورت تداوم کتیبه‌ها، عمدتاً با محتوای مذهبی (آیات قرآن کریم، احادیث، صلوات کبیر) بوده است. آن‌ها نیز تماماً با روسازی شیوه مقعر در گونه جست و اغلب با زمینه ساده کنده‌کاری شده‌اند.

جدول ۲. درصد به‌کارگیری نقوش بر روی درهای چوبی تاریخی قرن نهم هجری قمری در تبرستان (نگارندگان).

نقش‌مایه										عنوان
بدنه در					دماغه					
گیاهی		هندسی			هندسی		گیاهی			
ختیایی	شمشه ۶ و ۶ ضلعی	چهار	شمشه ۶	شمشه ۸	شمشه ۱۰	مابقی	شمشه ۶ و ۶ ضلعی	اسلیمی	اسلیمی و ختیایی	
۴۰	۶۰	۱۵	۲۳	۲۳	۳۹	۱۴	۲۷	۳۸	۲۴	درصد

نتیجه‌گیری

پیرو آن‌چه در متن مقاله آمد چند مساله مهم شایان ذکر است که می‌توان به صورت صریح به آن‌ها پرداخت. نخست اینکه، در دوره حکومت مرعشیان شیعه مذهب در مرزهای تبرستان کنونی، نقش آن‌ها در تقویت و ایجاد ثبات و ترویج هنر و معماری مذهب تشیع شایان ذکر و توجه است. دیگر این‌که، در این دوره حامیان هنری در بستر شرایط سیاسی و اجتماعی و مذهبی موجود در به وجود آمدن انواع آرایه‌های معماری به‌خصوص، درهای چوبی تاریخی به‌عنوان سنتی متداوم نقش به‌سزایی داشته‌اند. به نحوی که سیر تاریخی درهای معرفی شده، نشان‌دهنده حدود یک قرن تداوم حمایت از این آرایه‌ها است. در واقع، اختصاص تزئینات زیاد به بناهایی که به اهل تشیع و امامزادگان تعلق دارند، نماینده باورهای شیعی مردم این خطه است. به علاوه، در کتیبه‌های اغلب

آثار مورد بررسی، نام حامی در کنار سازنده و صنعت‌گر اثر به وضوح ذکر گردیده است. به لحاظ گستردگی تاریخی، دقیقاً نیمی از آثار مربوط به نیمه اول و مابقی به نیمه دوم سده نهم هجری قمری می‌باشد. این مساله می‌تواند حاکی از تناوب ساخت آثار چوبی در طول سده مذکور باشد. در برخی دیگر از مولفه‌های بصری و تکنیکی نیز این توازن محسوس است؛ نظیر الگوی مشترک در شیوه ساخت و فرم کلی قاب‌بندی‌ها، هم‌چنین، نورگیرهای بالای درها، تزیین صفحه میانی با گره‌های هندسی، پوشش

دماغه با نقوش هندسی و گیاهی مشابه، استفاده از روسازی مقعر با عمق زمینه متوسط. با توجه به این مسایل، بدین ترتیب می‌توان نتیجه گرفت که، یک سیر حرکتی مداوم و مستمر در ساخت و تزیین درهای چوبی قرن نهم هجری قمری دوره مرعشیان قابل فرض است و تفاوت خیلی جدی در هیچ نمونه مشاهده نشده است. به نظر می‌رسد که پژوهش و شناسایی استادان نجار و شجره‌نامه آن‌ها هم‌چنین، تطبیق این آثار با سایر درهای تاریخی کشور موضوع مناسبی برای تحقیقات آتی پژوهشگران این حوزه باشد.

سیاسگزاری

نویسندگان در این‌جا لازم می‌دانند که از مجموعه کارکنان اداره اوقاف و امور خیریه اداره کل استان مازندران مخصوصاً جناب آقای روحانی مسئول حراست سازمان، و هم‌چنین، جناب آقای دکتر مهدی رازانی، دکتر امین نعیمایی عالی و دکتر حسین اسلامی ساروی، بابت همکاری‌های صمیمانه‌شان تقدیر و تشکر نمایند.

پی‌نوشت

۱. امام‌زاده نکا آورده که ظاهراً، باید مربوط به معصوم زاده میر مفید باشد. شرح آن از این قرار است: «من عرف نفسه فقد عرف ربه. بشر مال البخیل ذالحارث او وارث. لاینظر الی من قال وانظر الی ما قال. الجزع عند البلاء تاملن لمنه. هذه الموضوع من القرية المبارکة موسومة بالنکاه لصاحب الممالک هذه القرية المذكورة المرتضى المعظم والاکرم میر سید عبدالمحیط بن... اینکاد مفخر الفقراء والصلحا زین المتورعین درویش سکندر ابن عزالدین المعروف بابن الهدی. عمل استاد حسین بن احمد الهدا. محرم الحرام سنه ستین ثمانمائه» (ستوده، ۱۳۷۴: ۶۷۷).
۲. مستندسازی دقیق برخی از درها به صورت کامل میسر نشده است که این خود از محدودیت‌های پژوهش حاضر است.
۳. مستندسازی دقیق برخی از درها به صورت کامل میسر نشده است که این خود از محدودیت‌های پژوهش حاضر است.
۴. مستندسازی دقیق برخی از درها به صورت کامل میسر نشده است که این خود از محدودیت‌های پژوهش حاضر است. ای از امام‌زاده نکا آورده که ظاهراً، باید مربوط به معصوم زاده میر مفید باشد. شرح آن از این قرار است: «من عرف نفسه فقد عرف ربه. بشر مال البخیل ذالحارث او وارث. لاینظر الی من قال وانظر الی ما قال. الجزع عند البلاء تاملن لمنه. هذه الموضوع من القرية المبارکة موسومة بالنکاه لصاحب الممالک هذه القرية المذكورة المرتضى المعظم والاکرم میر سید عبدالمحیط بن... اینکاد مفخر الفقراء والصلحا زین المتورعین درویش سکندر ابن عزالدین المعروف بابن الهدی. عمل استاد حسین بن احمد الهدا. محرم الحرام سنه ستین ثمانمائه» (ستوده، ۱۳۷۴: ۶۷۷).
۵. ای از امام‌زاده نکا آورده که ظاهراً، باید مربوط به معصوم زاده میر مفید باشد. شرح آن از این قرار است: «من عرف نفسه فقد عرف ربه. بشر مال البخیل ذالحارث او وارث. لاینظر الی من قال وانظر الی ما قال. الجزع عند البلاء تاملن لمنه. هذه الموضوع من القرية المبارکة موسومة بالنکاه لصاحب الممالک هذه القرية المذكورة المرتضى المعظم والاکرم میر سید عبدالمحیط بن... اینکاد مفخر الفقراء والصلحا زین المتورعین درویش سکندر ابن عزالدین المعروف بابن الهدی. عمل استاد حسین بن احمد الهدا. محرم الحرام سنه ستین ثمانمائه» (ستوده، ۱۳۷۴: ۶۷۷).

منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۵). ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: نمونه.
- بهرامی، ناصر (۱۳۸۷). *ابن‌یمین (دهقان شاعر): بررسی و تحلیل دیوان ابن‌یمین*. تهران: بهرامی.
- پیرنیا، کریم (۱۳۸۳). *سبک‌شناسی معماری ایران*، تدوین غلامرضا معماریان، تهران: پژوهنده.
- رازانی، مهدی (۱۳۹۸). *کارشناسی آثار و تهیه شناسنامه اشیای موزه هنر ایران*، تهران: موسسه موزه‌های بنیاد مستضعفان (چاپ‌نشده).
- راعی حسین (۱۳۹۰). بررسی و مطالعه برج-مقبره‌های قرن ۸ و ۹ ه. ق. در مازندران نمونه موردی: معرفی مقبره شمس آل رسول آمل، *مرمت و معماری ایران (مرمت آثار و یافت‌های تاریخی)*، فرهنگی، سال اول، شماره ۲، ۷۵-۹۰.
- رحمتی زاده، علی؛ سلطان زاده، حسین؛ اعتصام، ایرج و سید مصطفی، *مختاباد امرئی* (۱۳۹۸). نقش محیط و فرهنگ در شکل‌گیری آرامگاه‌های دوره اسلامی در حاشیه جنوبی دریای خزر، *اندیشه معماری*، سال سوم، شماره ۵، ۶۰-۸۳.
- سبکبار، صدیقه (۱۳۹۴). *مطالعه نقوش و تزیینات بقاع متبرکه استان مازندران با تاکید بر شهرستان ساری (نمونه موردی: امامزاده عباس، امامزاده صالح، امامزاده یحیی و سلطان زین‌العابدین)*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، تهران: دانشکده هنر و معماری، دانشگاه پیام نور واحد شرق تهران.
- ستوده، منوچهر (۱۳۷۴). *از آستارا تا استرآباد*، جلد ۴، چ. دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- شاهپور شهبازی، علیرضا (۱۳۹۵). *راهنمای مستند تخت جمشید*، چ. سوم، تهران: فرهنگسرای میردشتی، سفیران.
- شیخی، علیرضا (۱۳۹۵). *واکاوی مناسبات قدرت در عهد شاهرخ تیموری و بازتاب آن در آثار منبت خراسان*، پایان‌نامه دکتری تاریخ تحلیلی و تطبیقی هنر اسلامی، تهران: دانشگاه هنر.
- شیخی، علیرضا و سامانیان، صمد (۱۳۹۹). *منبت معاصر ایران*، تهران: دانشگاه هنر تهران.
- فقیه بحر العلوم، محمد مهدی (۱۳۸۵). *تاریخ تشیع و مزارات شهرستان ساری*، قم: وثوق.
- کریمیان، معصومه (۱۳۹۱). *ساخت رحل قرآن بر اساس منبت‌کاری تیموری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد هنر اسلامی گرایش چوب، تبریز: دانشکده هنرهای اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی.
- کریمیان، معصومه (۱۳۹۶). *منبت‌کاری در روزگار تیموریان*، اصفهان: گل‌دسته.
- کلاتر، علی اصغر و آیت الهی، حبیب‌اله (۱۳۸۸). *کاربردیات قرآنی و متون مذهبی در تزیینات معماری شیعی مازندران*،
- نگره، شماره ۱۳، ۵-۲۷.
- کلاتر، علی اصغر (۱۳۸۸). *گنجینه‌های قدسی پنهان (نگاهی زیبایی‌شناسانه به بارگاه برخی امامزادگان ساری)*.
- کلاتر، علی اصغر (۱۳۹۴). *سبک‌شناسی معماری برج‌های آرامگاهی مازندران در دوره اسلامی*، پایان‌نامه دکتری پژوهش هنر، تهران: دانشگاه شاهد.
- کیانمهر، قباد و کریمیان، معصومه (۱۳۹۳). بررسی نقش مایه‌ها و ویژگی‌های بصری درهای چوبی مقبره امامزاده عباس ساری و مسجد جامع افوشته اصفهان از دوره تیموری، *سفالینه*، دوره ۱، شماره ۱، ۶۷-۸۳.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۶۲). *دو بنای تاریخی حاشیه خزر، موزه‌ها*، شماره ۵، ۳۴-۴۳.
- کیانی، محمد یوسف (۱۳۸۳). *معماری ایران دوره اسلامی*، تهران: سمت.
- گلمیک، لیزا و ویلبر، دونالد (۱۳۷۴). معماری تیموری در ایران و توران، ترجمه کرامت‌اله افسر و محمد یوسف کیانی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
- ماهفروزی، علی (۱۳۷۸). بررسی و تحلیل آثار چوبی قرن ۹ هجری قمری در مازندران (بررسی و تحلیل آثار ساری)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران.
- مجد، مصطفی (۱۳۸۸). *ظهور و سقوط مرعشیان*، تهران: رسانش.
- مهجوری، اسماعیل (۱۳۴۵). *تاریخ مازندران*، جلد ۲، ساری: اثر.
- مهدوی، حبیب‌اله (۱۳۹۵). *حیات سیاسی، اجتماعی، مذهبی و فرهنگی خاندان مرعشی از ظهور تا سقوط صفویه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران: دانشکده علوم و تحقیقات اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی.
- مهدوی آبدانکشی، سیده کبری (۱۳۹۱). طراحی و ساخت زیورآلات چوبی بر مبنای منبت‌کاری مازندران (در و صندوق قبر)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد هنر اسلامی گرایش چوب، تبریز: دانشگاه هنر اسلامی.
- نیستانی، جواد (۱۳۸۳). *پژوهشی در بناهای آرامگاهی مازندران مرکزی در قرن ۹ هجری (با تاکید بر ویژگی‌های معماری بومی)*، پایان‌نامه دکتری باستان‌شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- نیک‌شناس، الهام؛ انعامی، فرزانه و اکبری، فاطمه (۱۳۹۳). مطالعه تزیینات درب چوبی بناهای مذهبی مازندران (نمونه موردی: درب شرقی امامزاده ابراهیم بابلسر)، *دومین همایش ملی تبرستان*، دانشگاه مازندران، بابلسر. ۷۸-۸۲.

Mahjouri, I. (1966). *History of Mazandaran*, 2 volumes, Sari: Publication Of the Asar. (Text in Persian).

Majd, M. (2009). *The Rise and Fall of the Marashians*. Tehran: Rasanesh Publishing. (Text in Persian).

Mahfrozi, A. (2008). Study and analysis of wooden works of the 9th century AH in Mazandaran (study and analysis of Sari works), Master's thesis, Tehran: University of Tehran. (Text in Persian).

Neyestani, J. (2004). *A Study on the Tomb Buildings of Central Mazandaran in the 9th Century AH (with Emphasis on the Features of Native Architecture)*, PhD Thesis in Archeology, Tehran: Tarbiat Modares University. (Text in Persian).

Nikshenas, E. (2014). Study of wooden door decorations of religious buildings in Mazandaran (Case study: East door of Imamzadeh Ebrahim Babol-sar), *2nd Tabaristan National Conference*, 23-36. (Text in Persian).

Pirnia, K. (2004). *Stylistics of Iranian Architecture*, edited by Gholamreza Memarian, Tehran: Pajouhandeh Publishing. (Text in Persian).

Rahmatzadeh, A. (2019). *The role of environment and culture in the formation of Islamic tombs in the southern margin of the Caspian Sea*, *Journal of Architectural*, 3 (5), 60-83. (Text in Persian).

Rai, H. (2012). Analysis of Tower-Burial Sites during 8th and 9th Centuries (AH) in Mazandaran Province, *Maremat & memari-e Iran*, 1 (2) 75-90. (Text in Persian)

Razani, M. (2019). *Examining the works and preparing the identity card of the objects of the Iranian Museum of Art*, Tehran: Institute of Museums of the Bonyad Mostazafan (unpublished) (Text in Persian).

Sabok bar, S. (2014). *Studying the motifs and decorations of Bekaa Motabaraka of Mazandaran province with an emphasis on Sari city (case example: Imamzadeh Abbas, Imamzadeh Saleh, Imamzadeh Yahya and Sultan Zain-al Abdin)*, master's thesis, supervisor: Dr. Elias Safaran, date of defense: 2014, School of Art and Architecture, Payam Noor University, East Branch, Tehran. (Text in Persian).

Sotoudeh, M. (1995). *from Astara to Astarabad*, 5 volumes, Tehran: Publications of the Society for the National Heritage of Iran. (Text in Persian).

Shahpour Shahbazi, A. (2015). *Documentary Guide to Persepolis*, third edition, Tehran: Farhangsarai Mirdashti. (Text in Persian).

Sheikhi, A. (2015). *Analyzing power relations during the reign of Timurid Shahrokh and its reflection in Khorasan carvings*, doctoral thesis, supervisor: Ahmad Tandj, defense year: 2015, University of Arts: Tehran. (Text in Persian).

Sheikhi, A and Samanian, S. (2019). *Contemporary*

References

- Aube, S. (2017). Skills and Style in Heritage: The Woodworker Fahr al-Din and his Son 'Alī in the Mazandaran (Iran, ca. 1440-1500), *EURASIAN Studies* 15 ,283-303.
- Faqih Bahr al-Ulum, M. (2006). *History of Shiism and Tombs of Sari*, Qom: Vosough Publications. (Text in Persian).
- Golumbek, L., Wilbur, D. (1995). *Timurid Architecture in Iran and Turan*, translated by Keramatullah Afsar and Mohammad Yousef Kiani, Tehran: Publications Cultural Heritage, Tourism and Handicraft Organization. (Text in Persian).
- Kalantar, A. (2015). *Architectural Stylistics of Mazandaran Tomb Towers in the Islamic Period*, PhD Thesis, Tehran: Shahed University. (Text in Persian).
- Kalantar, A., Ayatollah, H. (2009). Application of Quranic verses and religious texts in the decoration of Shiite architecture of Mazandaran, *Negareh Journal* , 13, 5-27. (Text in Persian).
- Karimian, M. (2012). *Making the Qur'an based on Timurid inlay*, Master Thesis, Faculty of Islamic Arts, Tabriz: Islamic Art University. (Text in Persian).
- Karimian, M. (2017). *Timurid Wood Carving, Isfahan*: Isfahan: Goldasteh Publications. (Text in Persian).
- Kiani, M. (1983). Two historical monuments of the Caspian Sea, *Journal of Museums*, 5, 34-43. (Text in Persian).
- Kiani, M. (2004). *Iranian Architecture of the Islamic Period*, Publication, SAMT (organization): Tehran. (Text in Persian).
- Kianmehr, G., and Karimian, M. (2014). A study of the motifs and visual features of the wooden doors of the tomb of Imamzadeh Abbas Sari and the Afoushteh Mosque of Isfahan from the Timurid period, *Sefalineh*, 1 (1) 67-83. (Text in Persian).
- Mahdavi, K. (2016). *The Political, Social, Religious and Cultural Life of the Marashi Family from the Rise to the Fall of the Safavids*, Master Thesis, Faculty of Islamic Sciences and Research, Department of History and Civilization of Islamic Nations: Imam Khomeini International University: Tehran. (Text in Persian).
- Mahdavi, K.. (2012). *Design and manufacture of wooden ornaments based on wood carving in Mazandaran (door and tomb wooden)*, Master Thesis, University of Islamic Arts: Tabriz. (Text in Persian).
- Mahforozi, A. (1999). *Study and analysis of wooden works of the 9th century AH in Mazandaran (Study and analysis of works in Sari)*, Master Thesis, Tehran: University of Tehran. (Text in Persian).

Iranian Carving, Tehran: Tehran University of Art Press. (Text in Persian).

URLs:

URL1. <https://ganjoor.net/ebneyamin/divan>

URL2. <https://tahlilak.com/معرفی-استان-مازندران-نقشه/>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

A Comparative Study of Historic Wooden Doors in Tabaristan During the Reign of the Marashis (14-15 Century) ¹

Mohammad Madhoushian Nejad²

Received: 2022-09-19

Hojjatollah Askari Alamouti³

Accepted: 2023-01-24

Abstract

Among the historical Islamic wooden works remaining in Iran, wooden doors are significant examples, ideal for the study of history of art in Iran. In addition to decorations, they have inscriptions containing religious texts and prayers that contain important information about the period they have been created in. On the other hand, Marashis are amongst the local governments of Iran, Tabaristan (present Mazandaran) during 14-15 centuries AD, which have been relatively less discussed and studied, even though there are numerous monuments remaining from that period, mostly tombs and shrines. This lack of recognition of significant artistic structures, especially intricate wooden doors from that era, is specifically addressed in this article. Also, other goals of the present research include; identifying and categorizing historical wooden doors belonging to the 14-15 centuries AD in Mazandaran and the comparative study and investigation of their evolution.

Door is always considered an integral element in buildings and historical and cultural monuments, so that today they can be considered one of the main and identifying elements in traditional architecture. One of the historical periods in which the application of wooden doors flourished in the construction of tombs and shrines, was the Marashi dynasty (760-906 AH) in Tabaristan (now Mazandaran). Shia Marashis, in order to pay respect to the deceased and descendants of the Shia Imams, built many tombs and shrines, most of them with luxurious wooden doors. Despite the fact that their overall construction method is often similar, the style and decorative motifs of these wooden doors are significant and specific. Interesting to point that, one of the characteristics of wooden doors of this period, is the existence of inscriptions containing information such as: the patron, year of construction, manufacturer, etc., on many of them. But the reason behind the study of these works in present research, in addition to their abundance and dispersion in the 9th century AH, was the diversity in their imagery and decoration.

In accordance, the main questions posed in this research are: What are the artistic characteristics of wooden doors during the Marashi period, and how can the historical evolution of the mentioned doors in the Marashi period of Mazandaran be justified?

The present research is conducted through developmental studies with a descriptive-analytical and comparative approach. Research data have been collected from library resources, document and field method and analyzed through qualitative method. The samples of the research are targeted and selected through

1. DOI: 10.22051/JJH.2023.41821.1858

2- Assistant Professor, Department of Handcrafting, Faculty of Arts, Alzahra University, Tehran, Iran, Corresponding Author.

Email: mmadhoushian@alzahra.ac.ir

3-Assistant Professor, Department of Handicraft, Faculty of Arts, Alzahra University, Tehran, Iran.

Email: hojjataskari@alzahra.ac.ir

a survey, fourteen samples have been identified and selected in a non-probable and purposeful manner: Imamzadeh Ebrahim in city of Babolsar, Imamzadeh Abdul Saleh in city of Marzroud, Imamzadeh Abdullah in city of Mahfroz Mahalla, Imamzadeh Yahya, Imamzadeh Prince Hossein and Imamzadeh Abbas in the city of Sari, Imamzadeh Ali Asghar, Imamzadeh Qasim and Imamzadeh Sultan Mohammad Taher in the city of Babol, Imamzadeh Yusuf in city of Noor, Imamzadeh Mofid in city of Neka, Shamsuddin Babelkani tomb in city of Behshahr, and the wooden door currently kept at Aga Khan Museum, Canada.

In order to prove that the works belong to the 9th century AH, first the inscriptions were studied thoroughly and then their decorations were determined and classified. After categorizing the extracted technical and visual features, the works have been compared to highlight the evolution in these works. It should be noted that historical wooden doors - at least based on the examples remained after the advent of Islam in Iran - were usually made by two techniques: One Piece and Frame and Plate. In the one-piece method, a wooden board was cut to the desired dimensions, and while keeping the two appendages at the top and bottom as a round heel (the only point in common with the frame and plate technique), other decorations - mostly engravings and carvings - were added later onto the surface of the door directly. But in the frame and plate technique - at least the oldest example of it is from the Abbasid period - unlike the one-piece technique, the panels are made up of smaller components called frame and plate. This allows the manufacturer to decorate the panels separately and then install them inside the door frames. Another advantage of this technique, which is still being applied to this day, is its high resistance against the factors of mechanical destruction of wood, such as tension, warping, contraction and shrinkage (property of absorbing and repelling moisture) and so on. The use of reliable connection of the crotch and tongue along with wooden nails can be counted as another reason for the popularity of this method of door making. The main components of the doors in this method are the frame, the plate, the round heel and the nose. An additional point in this topic is the extension of the doors outside of the general norm in order to add a skylight in the upper part of the studied doors, which are decorated in the manner of latticework and hollow porcelain knots along with carvings. It is worth mentioning that, perhaps, other doors of the statistical community of the current research also had this feature, but due to the destruction of the building or moving to another place, it is possible that their light-reflecting part has been lost.

As it can be seen from the content of this article, the Marashi Shiite government has been one of the supporters of the arts related to Shiite beliefs, and this causes the construction of shrines to suddenly flourish in the 9th and 10th centuries A.H. compared to the previous periods. In parallel, some artworks of the northern regions of Iran, including arts related to wood, have been developed and applied in buildings as architectural decorative elements, including the grave box, door, window and skylights made of mostly local wood (Azad-Sorkhdar).

Due to the variety of shapes and forms of shrines, some have more entrances and windows, which is another reason for the perceived variety of wooden doors in that period. Among other factors of the development of these arts, we can mention the element of endowment, in such a way that the religious patrons paid attention to their religious customs in addition to pursuing political goals by financing the various components of these shrines such as doors. Which resulted in, artistic carpentry becoming the generational profession of many families in north of Iran, for several centuries, and also contributing to the tradition of teamwork among artists of that area.

It is remarkable to point that, despite the civil turmoil and unrest in the Tabaristan (Mazandaran) in that period, the support for these artistic endeavors were not exclusive to a certain person or ruler, these activities and commissions for the construction of the entrance doors of the shrines did not stop either. It is possible that in the future other doors will be found and this historical diversity will be complemented more accurately.

According to the findings of this article, some important issues are worth mentioning: First, during the rule of the Shiite Marashi dynasty in present-day Mazandaran, their role in strengthening and establishing stability and promoting the art and architecture of the Shiite religion is significant and can be studied more extensively. Furthermore in this period, patrons of the arts have played a significant role in the emergence of all kinds of architectural decorations, especially historical wooden doors, as a continuous tradition, in the context of existing political, social and religious conditions. In a way that the historical journey of the discussed wooden doors, sheds light on a century of continuous support for carpentry as an art. In fact, assigning a lot of decorations to the buildings that belong to the Shiites and Imam's descendants' shrines represents the Shiite beliefs of the people of this region. In addition, in the inscriptions of most of the investigated works, the patron's name is clearly mentioned along with the creator and artist.

In terms of historical scope, exactly half of the works are related to the first half of the period and the rest to the second half. This can indicate the consistency of the construction of wooden works during the mentioned era. This balance is noticeable in some other visual and technical components. For example: the common pattern in the construction method and the general form of the frames, as well as the skylights above the doors, decorating the middle panel with geometric knots, covering the nose with similar geometric and plant motifs, the use of concave pavement with medium ground depth. The results of the research show that due to the serious support of the Marashis for the construction of shrines and subsequently wooden doors, a continuous movement can be detected in the construction and decoration of these doors.

Keywords: Wooden Doors, Inlaid 9th Century AH, Marashis, Historical Doors of Tabaristan.